

عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی میان زوجها

مصطفی صالح

کارشناسی رشته مدیریت امور فرهنگی از دانشگاه علمی کاربردی تهران

* نویسنده مسئول

چکیده

طلاق عاطفی ۱ واژه ای است که در زندگی مدرن امروز بسیار به گوش می خورد. با گذشت زمان و سایه انداختن سختی ها و مشکلات بر زندگی، بی تفاوتی و بی روحی بر زندگی حاکم می شود و آن وقت است که طلاق عاطفی بین زوجها شکل می گیرد. امروزه ما شاهد روند روبه رشد این معضل اجتماعی هستیم و خانواده که اصلی ترین نهاد اجتماعی است در معرض پیامدهای ناگوار پدیده طلاق عاطفی قرار دارد. هدف ما در این مقاله بررسی عواملی است باعث بروز طلاق عاطفی بین زوجها میگردد، که در پایان ضمن ارائه عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی به راهکارهایی اشاره خواهیم نمود که موجب کاهش این نوع طلاق در بین زوجها خواهد گردید. با این امید که در آینده شاهد کاهش میزان طلاق عاطفی و جلوگیری از هم گسیختگی کانون گرم خانواده ها باشیم.

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، زنان و مردان متاهل، خانواده.

مقدمه

صاحب نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد (موسایی، ۲۰۱۱). هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده های سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده اند. یکی از مهمترین آسیب های خانوادگی طلاق عاطفی است. اولسون^۲ (۲۰۰۶) طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود. زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن ها نسبت به یک دیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یک دیگر است؛ همسران به جای حمایت از هم دیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یک دیگر عمل می کنند، و هر یک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگر هستند. (لاور، ۲۰۰۷)^۳. بسیاری از خانواده ها از وجود طلاق عاطفی به شدت رنج می برند. در چنین خانواده هایی یک تشنج روانی حکم فرماست. بسیاری از زوج ها با هم زندگی می کنند ولی از درون هم خبری ندارند، این قطع روابط عاطفی، عوامل پنهان و ناگفته های بسیاری دارد. عامل اصلی هر نوع طلاق برآورده نشدن انتظارات زوجین است. در طلاق علاوه بر عوامل آشکار معمولاً عوامل پنهان و ناگفته ای نیز وجود دارد که زوجها به دلیل تابو بودن و فرهنگ حاکم بر جامعه از بیان آن خودداری کرده و در درون خود نگه می دارند. عوامل پنهان باعث می شوند زوجین کم کم از هم فاصله گرفته و طلاق عاطفی و در نهایت طلاق قانونی در بین آنها رخ دهد. (عظیمی، ۱۳۹۲). ناهماهنگی بین زوجین در هنگام ازدواج از جمله مهمترین دلایل بروز طلاق عاطفی در خانواده است. این موضوع متأسفانه در هنگام ازدواج مدنظر قرار نگرفته و برخی از ازدواج ها بدون داشتن هماهنگی های لازم و از روی شرایط ظاهری انجام می شود. فرد برای ازدواج کردن علاوه بر بلوغ جسمانی و فیزیولوژیکی باید به انواع بلوغ عاطفی^۴، روانی^۵، اجتماعی^۶، عقلانی^۷، اقتصادی^۸ و اخلاقی^۹ نیز برسد. (باستانی، ۱۳۸۹). علت اینکه بیشتر طلاق ها چه قانونی و چه عاطفی در سنین پایین رخ می دهد این است که افراد قبل از رسیدن به این بلوغ ها ازدواج کرده و به دوره ثبات لازم در شخصیت فردی و اجتماعی خود نرسیده اند. یکی دیگر از عوامل طلاق عاطفی کمبود یا عدم مهارت ارتباطی است که باعث ایجاد حس غم و غصه، اشکال در تمرکز، عزت نفس پایین، کناره گیری از فعالیت اجتماعی، فقدان علاقه به تعاملات جنسی و نهایتاً افسردگی یکی از زوجین می شود. حال در ادامه به بررسی مبانی نظری و ادبیات مرتبط با موضوع پرداخته و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی مطالب گردآوری شده بپردازیم و در نهایت به یافته ها و نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل های خود اشاره نمائیم.

مبانی نظری:

«طلاق عاطفی» یا جدایی عاطفی، نوعی جدید از زندگی میان همسران است که در آن، زن و شوهر صرفاً بر اساس قراردادهای رایج و متعارف به زندگی خود ادامه می دهند بدون اینکه هیچ گونه تناسب^{۱۰} عاطفی و اجتماعی میان آن ها وجود داشته باشد (پروین، ۱۳۹۰). آثار روانی و اجتماعی طلاق عاطفی به اندازه طلاق رسمی و یا حتی بیشتر از آن است. می توان گفت طلاق عاطفی در خانواده هایی در حال شکل گیری یا تقویت شدن است که اعضای خانواده در زیر یک سقف زندگی می کنند ولی سقف

2 Olson

3 Laur

4 Emotional

5 Mental

6 Social

7 Rational

8 Economic

9 Moral

10 Proportionality

هرکس با خودش معنا شده و به نوعی دیوارهای بلند با عناوین مختلف بی‌اعتمادی، دل‌سردی، بی‌انگیزشی، گوشه‌گیری و انزوا در حال ساخته شدن است. طلاق عاطفی بر سلامت روحی و جسمی زن و مرد و فرزندان آنها تاثیر سویی دارد و از پیشرفت و تعالی اعضای خانواده جلوگیری می‌کند و در نتیجه سبب عدم پیشرفت و تعالی جامعه می‌شود. این روزها در بسیاری از موارد پدیده طلاق ناشی از مسائلی است که یک یا دو دهه قبل حتی باور کردن آن نیز امکان پذیر نبود؛ تنوع طلبی^{۱۱}، خیانت^{۱۲}، دروغ‌گویی^{۱۳} و بسیاری از مسائل دیگر منشاء و مبداء تعداد قابل ملاحظه‌ای از طلاق‌ها شده است (باستانی، ۱۳۸۹). اما کم نیستند خانواده‌هایی که قبل از طلاق قانونی^{۱۴}، رویه طلاق عاطفی را در پیش می‌گیرند. بسیاری از صاحب نظران، طلاق عاطفی را مقدمه‌ای بر طلاق قانونی می‌دانند. خاتمه دادن به ازدواج به این سادگی نیست و هر فردی از مراحل عبور می‌کند تا سرانجام به طلاق قانونی برسد.

مراحل طلاق عاطفی:

از شروع طلاق عاطفی تا رسیدن به طلاق قانونی پنج مرحله مجزا وجود دارد؛ این پنج مرحله معمولاً ۳ سال طول می‌کشد ولی ممکن است مدت آن در عده‌ای کمتر و در عده‌ای دیگر بیشتر باشد (بهار، ۱۳۸۳). این مراحل دارای ترتیب خاصی هستند و زوج‌ها به ترتیب از آنها عبور می‌کنند تا به طلاق قانونی برسند. مراحل مزبور در دوران طلاق عاطفی به شرح زیر طبقه‌بندی شده است:

۱. مرحله اول؛ سرزنش^{۱۵}: در این مرحله در مرحله اول، شروع کننده تمرکز خود را متوجه همسر می‌کند و او را در تمام اتفاق‌های گذشته، حال و آینده مقصر می‌داند. در این مرحله فرد دارای یک تصویر بد و نامناسب نسبت به خود است و ممکن است به راحتی آسیب ببیند. شروع کننده در بیشتر موارد افسرده و غمگین است و احساس کمبود انرژی می‌کند و در نظر دوستان و خانواده هم بسیار آشفته به نظر می‌رسد.
۲. مرحله دوم؛ سوگواری^{۱۶}: در این مرحله غم و اندوه فراوان بر شروع کننده مستولی می‌شود. به هر اظهار نظری واکنش تند نشان می‌دهد و به شدت در افکار و احساسات خود غوطه‌ور می‌شود. تمرکز حواس خوبی ندارد، به گونه‌ای که در انجام کارهای روزمره اش با مشکلاتی مواجه خواهد شد.
۳. مرحله سوم؛ خشم^{۱۷}: هر چند خشم در هر مرحله از مراحل ۵ گانه تظاهر پیدا می‌کند ولی از خصوصیات بارز مرحله سوم است، به خصوص نسبت به دوستان و افراد خانواده و بیشترین بخش آن متوجه همسر می‌شود. با این حال ممکن است مرد به تمام زن‌ها و حتی زن نسبت به تمام مردها حس خشم داشته باشد. در این مرحله شروع کننده خود را محق می‌داند که عصبانی شود و همسرش باید تاوان اعمالش را پس دهد و آزار و اذیت شود.
۴. مرحله چهارم؛ تنهایی^{۱۸}: بسیاری از افراد بعد از دوران بلوغ، احساس می‌کنند تنها هستند. به تدریج شروع کننده شخصیت خود را طوری تطابق می‌دهد که دیگر نیازی به همسر ندارد. مرد یا زن سعی می‌کنند به خود اطمینان پیدا کنند و تصمیم‌نهایی را بگیرند. آنها در این مرحله خودشان را بازسازی می‌کنند و تصویرشان از خود، نسبت به مرحله اول خیلی بهتر می‌شود.

-
- 11 Diversity
 - 12 Treason
 - 13 Lying
 - 14 law divorce
 - 15 Blame
 - 16 Mourning
 - 17 Anger
 - 18 Loneliness

۵. مرحله پنجم؛ بازگشت به زندگی^{۱۹}: ورود مجدد به زندگی آخرین مرحله از فرایند طلاق قانونی است. مرد یا زن احساس می کنند که دوباره کنترل بیشتری بر زندگی خود دارند. در این مرحله فرد می تواند برنامه ریزی درازمدت انجام دهد. اگر هر دو در این مرحله قرار داشته باشند، به ندرت کارشان به محاکم قضایی کشیده می شود و فرایند طلاق قانونی بدون نیاز به دادگاه تکمیل می شود.

پیشینه و نتایج تحقیقات:

در مطالعات آکادمیک ایران به موضوع طلاق عاطفی به عنوان بعد پنهان^{۲۰} طلاق زوجین کمتر توجه شده است و مطالعات بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداخته اند. بنابراین خلأ این گونه تلاشهای علمی، جدی به نظر می رسد. مطالعاتی که در این زمینه وجود داشته اند هر کدام به نتایجی دست یافته اند که به منظور شناسایی عوامل موثر طلاق عاطفی به نتایج بدست آمده از تحقیقات موجود اشاره می نمایند. به گفته کارشناسان ازدواج هایی که در آنها هماهنگی بیشتری میان زوجین وجود دارد موفق ترند و کمتر به طلاق عاطفی می انجامند. تشابهاتی مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح هوش، هم نژاد بودن، دین مشابه داشتن، هم زبان بودن و ...، یک ازدواج موفق را رقم می زند. طلاق عاطفی که بیانگر رابطه زناشویی^{۲۱} است که روبه زوال است و تنش فرآیند میان زن و شوهر که معمولاً به جدایی می انجامد پدیده طلاق عاطفی پدیده ای چندعاملی است بدین سان که هرگز یک عامل به تنهایی نمی تواند موجبات پیدایش آن را فراهم کند. هر طلاق عاطفی، از دیدگاه علی در نوع خود بی نظیر است زیرا یک زن و شوهر با توجه به شخصیت خاص هر یک از آنان، خانواده، نوع همسرگزینی، منش و خلق و خوی هر یک، رابطه خاص منحصر به فرد و بی نظیر فراهم می آورد که قطع این رابطه نیز با پیوند عوامل خاص و شبکه ای منحصر به فرد از عوامل صورت پذیر است. عظیمی (۱۳۹۲) بیان داشت که بین سطح تحصیلات زوجین، میزان پایبندی زوج به اعتقادات دینی، میزان دخالت خانواده زوج، اعتیاد زوج به مواد مخدر و مشروبات الکلی و میزان تماشای شبکه های ماهواره ای توسط زوج با طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده می شود. باستانی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با هدف بررسی طلاق عاطفی از دید زنان، و به روش نظریه مبنایی به انجام رسانیدند تمرکز مطالعه بر فرایندی بوده که تجربه طلاق و عاطفی زنان را شکل داده است. نتایج پژوهش پیچیدگی و تنوع تجربیات زنان را نشان می دهد و این نظر را که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی در تعامل هستند، حمایت می کند. نتایج مطالعه هنریان و یونسی نشان می دهد که عوامل تأثیرگذار در (طلاق و طلاق عاطفی) شامل موضوعاتی مانند عدم مهارت ارتباطی، بیماری روحی، عدم بلوغ فکری و اعتیاد است (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰). نتایج تحقیقات (پروین، ۱۳۹۰) نشان می دهد که هر گاه تعادل ساختار خانواده تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی بر هم می خورد، کارکردهای قوام دهنده تأثیرگذار آن مانند سرمایه اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت و ... با چالش مواجه می شود که می تواند زمینه ساز طلاق عاطفی باشد. در مقاله دیگری با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی در شهر یزد (کریمی، ۱۳۹۴) بیان داشت که بر اساس داده های تحقیق رابطه ی بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی رابطه ای مستقیم می باشد. در صورتی که رابطه طلاق عاطفی با سبک زندگی مدرن معکوس می باشد یعنی هر چه سبک زندگی مدرن در بین زوجین بیشتر وجود داشته باشد طلاق عاطفی کمتر تجربه میشود. بنابراین در طلاق عاطفی، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می کنند؛ در حالی که ارتباطات بین آن ها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است. از دیگر دلایل بروز طلاق عاطفی را می توان به تفاوت های شخصیتی، وجود اختلال شخصیت در یکی از طرفین رابطه، عدم وجود مهارت های عشق ورزیدن در حداقل یکی از دو نفر، فقر و فشار اقتصادی، ازدواج بدون آگاهی و شناخت خصوصاً در سنین پایین و عدم انطباق جنسی نسبت داد (ثناپی، ۱۳۷۰). در واقع کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل گیری نگرش ها و باز خوردهای اجتماعی اعضای خانواده دارد. و پایه و اساس روابط درون خانواده بر

محور رابطه زن و شوهر استوار است، طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین زن و شوهر است. این مشکل ارتباطی در سطح خانواده می تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید، وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می شود از طرف دیگر طلاق عاطفی بیش از طلاق قانونی بر فرزندان تاثیرگذار است به طوری که ریشه بسیاری از آسیب های اجتماعی از طلاق عاطفی ایجاد می شود.

یافته ها و بحث:

با وجود این که بیش تر ازدواج ها با عشق و علاقه و محبت طرفین صورت می گیرد، اما در اکثر موارد مشاهده می کنیم که زن و مرد با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به مرور زمان، عشق و علاقه ی بین شان کم رنگ و کم رنگ تر شده و گاهی به طور کامل محو می شود و همسران بدون هیچ گونه احساس و عاطفه ای نسبت به هم، به طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می دهند. در این صورت در خانواده طلاق عاطفی رخ داده است؛ در طلاق عاطفی، زن و شوهر بدون این که به طور رسمی از هم جدا شوند، عواطف را از هم دریغ کرده و روی از هم بر می تابند زیرا دیگر اعتماد و احساسی بین شان نمی ماند. زن و مرد با این که در یک خانه و زیر یک سقف زندگی می کنند، اما در اصل، دو انسان بیگانه و بی تفاوت و بی احساس نسبت به هم هستند و سر هر کدام شان به مسائل و امور زندگی خود گرم می شوند. طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط صحیح میان زن و شوهر است. عوامل و متغیرهای فراوانی در این زمینه نقش دارند. حال با توجه به بررسی های انجام شده در میانی و پیشینه تحقیق می توان عنوان نمود که عوامل موثر بر طلاق عاطفی دارای ابعاد مختلفی است که عبارتند از:

جدول ۱- عوامل مهم موثر بر طلاق عاطفی بین زوجین- ابعاد و مولفه های آنها

اقتصادی	اجتماعی	فردی	ارتباطی	فرهنگی	روحی
۱- فقر	۱- ارتقاء شغلی	۱- اعتیاد	۱- سوء معاشرت	۱- سبک زندگی	۱- بیماری روحی و روانی
۲- اشتغال	۲- تحصیلات	۲- خلق و خوی	۲- عدم صمیمت	۲- تفاوت های مذهبی و اعتقادی	۲- عدم بلوغ فکری
۳- ثروت	۳- محیط زندگی	۳- دینداری	۳- روابط نامشروع	۳- تشابه نژادی	۳- اختلالات عاطفی
۴- توقعات	۴- جایگاه اجتماعی	۴- سنوآت ازدواج	۴- دخالت دیگران	۴- آداب و رسوم	
		۵- ناباروری	۵- مهارت های ارتباطی		
		۶- سطح هوش	۶- هم زبانی		
		۷- سوءظن	۷- عدم توافق اخلاقی		
		۸- اختلات جنسی			
		۹- بیماری جسمی			



شکل ۱- مدل مفهومی عوامل موثر بر طلاق عاطفی زوجین

پیشنهادات و راهکارهای کاهش طلاق عاطفی بین زوجها:

۱. افزایش سطح رفاه خانواده ها و تأمین زندگی آنها به وسیله ی بیمه های اجتماعی و ایجاد نظامهای بهبود وضع اقتصادی در این زمینه.
۲. آگاهی دادن و آموزش به زوجین در خصوص داشتن توقعات مالی معقول، نحوه مدیریت درآمدها و هزینه های زندگی .
۳. - بالا بردن سطح شعور اجتماعی و سواد جامعه از طریق کلاسهای آموزشی مانند کلاسهای مهارت زندگی در مراکز رفاه خانواده ، مراکز بهداشت برای قبل از ازدواج ، مدارس ، دانشگاهها.
۴. بهسازی وضع خانواده از طریق تماسهای فراوان افراد واجد شرایط ، مانند کارشناسان امور اجتماعی ، مددکاران اجتماعی و مشاوران روانی با خانواده.
۵. تقویت ارزشهای معنوی در خانواده ها.
۶. بالا بردن سطح آگاهی و بینش زوجین برای پاسخگویی به احساسات و عواطف یکدیگر.
۷. شناخت علایق، آداب و سوم ، تفاوتهای فرهنگی ، مذهبی و اعتقادی یکدیگر قبل از ازدواج.
۸. تأسیس کتابخانه های فراوان با امکانات مناسب و تشویق زوجین برای مطالعه.
۹. اجرای برنامه های آموزشی از طریق رسانه های گروهی ، برای جلوگیری از دخالت های خانواده طرفین ، جلوگیری از روابط نامشروع طرفین ، جلوگیری از اعتیاد زوجین.
۱۰. - از میان بردن بدبینی و سوء ظن زوجین نسبت به عدم موفقیت آینده.
۱۱. یادگیری صبر و گذشت و عدم افراط و تفریط در زندگی از سوی زوجین.
۱۲. واقع گرایی در رابطه و عدم داشتن انتظارات غیر واقعی و کاذب از یکدیگر.

نتیجه گیری

تحولات اجتماعی دهه های اخیر در سطح جهانی و ایران نظام های خانواده را با تغییرات، چالش ها ، مسایل و نیاز های جدید و متنوعی روبرو کرده است و طی همین مدت خانواده به شکل فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده ای در معرض تهدید قرار گرفته است. یکی از این تهدیدات طلاق عاطفی میان زوجها می باشد که امروزه ما شاهد روند روبه رشد این معضل اجتماعی هستیم. ما بعد از بررسی مبانی و ادبیات مربوط به طلاق عاطفی، عوامل موثر بر بروز این پدیده را میان زوجین شناسایی نموده و راهکارهایی نیز در راستای کاهش این پدیده ارائه دادیم. ولی هر یک از این عوامل دارای تاثیرات مختلفی بر بروز طلاق عاطفی می

باشند، که با توجه به نتایج این تحقیق و سایر تحقیقات می توان عنوان نموده بیشترین عامل وجود طلاق عاطفی در میان زوجین مربوط می گردد به عوامل فردی و ارتباطی زوجین که در صورت کاهش این عوامل می توان تا حد زیادی طلاق عاطفی رامیان زوجین کاهش داد که شامل مهارتهای ارتباطی، اخلاق، مهارتهای جنسی، اعتیاد، سوء ظن، دخالت دیگران، دینداری، صمیمیت و بیماری هر یک از زوجین می باشد.

منابع و ماخذ

- ۱- باستانی، سوسن و دیگران (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. فصل نامه بررسی مسائل اجتماعی ایران. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. دوره ۱، شماره ۱.۳-۲۰.
- ۲- بهاری، فرشته (۱۳۸۳). مقایسه عملکرد خانوادگی زوجهای در حال طلاق ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی و زوجهای غیرمطلقه. مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۰، تابستان شماره ۳۴، ۷۵-۷۹.
- ۳- پروین، ستار (۱۳۹۰). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. دوره ۱۴. شماره ۵۶-۱۱۹-۱۵۳.
- ۴- ثنائی ذاکر، باقر (۱۳۷۰). آسیب شناسی خانواده. پژوهش های تربیتی ۱ و ۲
- ۵- عظیمی، محمود (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران. دوره ۳. شماره ۱۰. ۳۱-۴۶
- ۶- کریمی، یزدان (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی در شهر یزد. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- ۷- هنریان، مسعود و سید جلال یونسی (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاههای خانواده تهران. مطالعات روان شناسی بالینی، سال ۱، شماره ۳. ۱۲۵-۱۵۳.

8-Laur, Rober H., & Laur, Jeanette c. (2007). *Marriage & Family: The Quest for Intimacy*, New York: McGraw Hill.

9-Musai, Maysams & et al (2011). "The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran". *British Journal of Arts and Social Sciences*. Vol.1 No.2. Pp.123-134.

10-Olson, David H & Defranin, John. (2006). *Marriage and families*. New York: Mc Graw Hill.

11-<http://www.sabteahval.ir>.